

سالشمار وگزیده کتابشناسی بهار

- ۱۲۶۵ ش (۱۶ عقرب - آبان) برابر ۱۲ ربیع الاول ۱۳۰۴ هـ. ق مطابق ۱۸۸۶ م در شهر مشهد در محله سرشور تولد یافت.
- ۱۲۷۲ در سن ده سالگی به سرودن شعر آغاز کرد.
- ۱۲۷۹ تحصیلات خود را در مشهد دنبال کرد.
- ۱۲۸۲ پدرش میرزا محمد کسازم صبوری ملک‌الشعراء آستان قدس رضوی درگذشت.
- ۱۲۸۲ در ۱۹ سالگی به جای پدر به مقام ملک‌الشعراء رسید.
- ۱۲۸۴ مستزاد معروف خود: «با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست» را خطاب به محمدعلی شاه سرود.
- ۱۲۸۴ در بیست سالگی وارد امور سیاسی شد و جزو مشروطه خواهان خراسان قرار گرفت.
- ۱۲۸۴ همکاری با روزنامه «خراسان» را که بصورت مخفی انتشار می یافت آغاز کرد.
- ۱۲۸۵ اشعار سیاسی او که در روزنامه طوس به چاپ می رسید او را به شهرت رسانید.
- ۱۲۸۸ در تشکیل حزب دمکرات در مشهد با حیدر عمواوغلی همکاری کرد.
- ۱۲۸۸ نخستین شماره روزنامه نوبهار را که ارکان حزب دمکرات بود در مشهد منتشر کرد.
- ۱۲۸۸ عضویت کمیته ایالتی حزب دمکرات خراسان را پذیرفت
- ۱۲۸۸ در اولین جلسه حزب دمکرات در مسجد گوهرشاد خطابه ای ایراد کرد که دبیژا جنرال کنسول دولت تزاری را بوحشت انداخت.
- ۱۲۹۰ بنا بدستور وثوق الدوله وزیر خارجه وقت روزنامه نوبهار پس از یکسال انتشار در مشهد توقیف شد.
- ۱۲۹۰ در واقعه مسجد گوهرشاد و به توپ بستن گنبد حضرت رضا، قصیده معروف «بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب بر» را سرود.
- ۱۲۹۰ روزنامه «تازه بهار» را در مشهد منتشر کرد که بیش از ۹ شماره انتشار نیافت و به دستور کینیاژ دابیژا بدنبال نوبهار سال او توقیف شد.
- ۱۲۹۰ به همراه نه تن از دوستانش که از اعضای کمیته حزب دمکرات مشهد

- بودند بنا به دستور دایوژا از مشهد به تهران تبعید شد. دزدان در میان راه اموال او را غارت کردند.
- ۱۲۹۰ هنگام تبعید بین سبزواری و شاهرود با حیدر عمو اوغلی ملاقات کرد.
- ۱۲۹۰ بار دیگر دوره دوم نوبهار را در ۱۴ جدی - آبان در مشهد منتشر کرد.
- ۱۲۹۲ از طرف مردم کلات، سرخس و درگز به نمایندگی دوره سوم مجلس رسید.
- ۱۲۹۳ روز ۱۴ آذر دوره سوم نوبهار را در تهران منتشر کرد.
- ۱۲۹۴ بخشی از تاریخ افغانستان را نوشت و در روزنامه نوبهار (سال چهارم) به چاپ رسانید.
- ۱۲۹۴ در کابینه محمدولی خان (سپهدار اعظم) به بجنورد تبعید شد و شش ماه در حالت تبعید به سر برد.
- ۱۲۹۴ روزنامه نوبهار در آبان ماه توقیف شد.
- ۱۲۹۴ جریان مهاجرت پیش آمد و به قم مهاجرت کرد.
- ۱۲۹۴ در اثر واژگون شدن درشکه دست او در قم شکست.
- ۱۲۹۴ انجمن دانشکده را در تهران بنیان گذاشت.
- ۱۲۹۶ انتشار سال ششم روزنامه نوبهار را در تهران آغاز کرد.
- ۱۲۹۶ روزنامه نوبهار سال ششم در مردادماه بار دیگر توقیف شد.
- ۱۲۹۶ روزنامه «زبان آزاد» را سه روز پس از توقیف روزنامه نوبهار منتشر کرد.
- ۱۲۹۶ ۱۴ سال پس از درگذشت مرحوم صبوری مادرش درگذشت.
- ۱۲۹۶ تاریخچه سه سال و نیم جنگ ۱۴-۱۹۱۸ م یا بخشی از تاریخ قاجار را نوشت و در روزنامه نوبهار به چاپ رسانید (چاپ این تاریخ و چند تاریخچه دیگر بقلم استاد در دست اقدام است).
- ۱۲۹۷ روز اول اردیبهشت ماه اولین شماره مجله دانشکده را منتشر کرد که یکسال دوام داشت.
- ۱۲۹۷ رمان «نیرنگ سیاه یا کنیزان سفید» را نوشت و در روزنامه ایران که مدیریت آن در آن ایام با برادرش میرزا محمدخان ملکزاده بود منتشر کرد.
- ۱۲۹۸ از بیست و سوم حوت = اسفند روزنامه نیمه رسمی ایران به مدیریت او انتشار یافت که مدت دو سال تا سوم اسفند ۱۲۹۹ ادامه داشت.
- ۱۲۹۹ در کابینه سیدضیاءالدین طباطبائی در کودتای معروف ۱۲۹۹ مدت سه ماه در شمیران تحت نظر بود.
- ۱۳۰۰-۱۳۰۵ در این میان باجمعی از فضلاء ایران در محضر هرتسفلد آلمانی به فراگیری زبان پهلوی پرداخت.
- ۱۳۰۰ در مجلس چهارم از طرف مردم بجنورد به نمایندگی رسید.
- ۱۳۰۱ تصاید معروف «دماوند» و «سکوت شب» را سرود.

- ۱۳۰۱ در مهرماه روزنامه هفتگی نوبهار را در تهران منتشر کرد.
- ۱۳۰۱ تاریخچه اکثریت در مجلس چهارم را نوشت که قسمتی از آن را در نوبهار هفتگی چاپ کرد.
- ۱۳۰۲ در دوره پنجم مجلس از طرف مردم ترشیز (کاشمر) به نمایندگی رسید.
- ۱۳۰۳ به علت خطابه تندى که در مجلس ایراد کرد هنگام خروج از مجلس و اعطاف قزوینی (مدیر روزنامه رعد قزوین) که شباهت بسیار به بهار داشت در جلو مجلس به جای بهار هدف گلوله گرفت و از پا درآمد.
- استاد بهار در قصیده معروف «شب چو دیوان به حصار فلکی راه زدند» به این ماجرا اشاره می‌کند.
- ۱۳۰۵ مثنوی چهارخطابه را سرود.
- ۱۳۰۵ در دوره ششم مجلس از طرف مردم تهران به نمایندگی رسید.
- ۱۳۰۶ قصیده معروف فتح دهلی را به اقتراح مدیر مجله آینده سرود.
- ۱۳۰۷ در دارالمعلمین به تدریس پرداخت.
- ۱۳۰۷ از کار سیاست کناره گرفت.
- ۱۳۰۸ يك سال به زندان مجرد افتاد. در این مدت چند قصیده و مسحط ساخت که در جلد اول دیوان او چاپ دوم ص ۴۸۵-۵۰۰ مندرج است. درباره زندانی شدنش خود در غزلی گفته است:
- من نیم مسعود بواحمد ولی زندان من
کمتر از زندان نای و قلعه مندیش نیست
- از زندان آزاد شد. ۱۳۰۹
- دیوان اشعار خود را به چاپ رسانید که ۲۰۸ صفحه آن چاپ شد ولی از چاپ و انتشار آن جلوگیری شد. ۱۳۱۱
- روز ۲۹ اسفند بار دیگر به زندان افتاد و این بار مدت پنج ماه در زندان بود. ۱۳۱۱
- از زندان آزاد و به اصفهان تبعید شد. ۱۳۱۲
- اندرزهای «آذربادماراسفندان» را از پهلوی به فارسی برگردانید و آن را به نظم کشید. ۱۳۱۲
- قصیده معروف «امشب در بیشت خدا وایه پندری» را به لهجه مشهدی سرود. تمام متن این قصیده در دیوان او به چاپ نرسیده است. ۱۳۱۲
- سرودن کارنامه زندان را شروع کرد. ۱۳۱۲
- شاهنامه گشتاسب یا یادگار زیریران را از پهلوی به فارسی برگردانید. ۱۳۱۲
- شرح احوال فردوسی را بر مبنای شاهنامه به رشته تحریر درآورد. (مجله باخت).
- ۱۳۱۲ قرارداد تصحیح تاریخ بلعمی را با وزارت فرهنگ امضاء کرد. این کتاب در سال ۱۳۴۵ به همت مرحوم محمد پروین گنابادی ازطبع خارج شد.

- ۱۳۱۳ کارنامه زندان را که در سال ۱۳۱۲ در زندان شروع کرده بود در اصفهان به پایان رسانید.
- ۱۳۱۳ برای برگزاری جشن هزاره فردوسی، با وساطت مرحوم محمدعلی فروغی (دکاه‌الملک) و علی‌اصغر حکمت وزیر معارف وقت، از اصفهان به تهران فراخوانده شد تا در برگزاری جشن شرکت جوید.
- ۱۳۱۳ قصیده «آمال شاعر» را پس از بازگشت از اصفهان سرود.
- ۱۳۱۳ شعر «درینک واتر» شاعر انگلیسی را، که در جشن هزاره فردوسی سروده بود، به شعر فارسی درآورد.
- ۱۳۱۳ قصیدین «آخرین» و «کل‌الصید فی جوف‌الفرا» را در هزاره فردوسی سرود.
- ۱۳۱۳ بار دیگر در دانشسرایمالی به تدریس ادبیات مشغول شد.
- ۱۳۱۳ رساله زندگی مانی را نوشت.
- ۱۳۱۵ فروردین‌ماه مطابق با ذیحجه ۱۳۵۴ ه. ق و مارس ۱۹۳۶ م، سفری به عزم گذشته به طرف گیلان و مازندران نمود. ره‌آورد سفرش قصیده زیبایی سپیدرود بود بدین مطلع:
- هنگام فرودین که رساند ز ما درود بر مرغزار دیلم و طرف سپیدرود
- دوره دکترا ادبیات فارسی در دانشگاه تهران افتتاح شد و بهار عمده‌دار تدریس بعضی دروس دوره دکترا گردید.
- ۱۳۱۸ کتاب مجمل‌التواریخ و القصص با تصحیح وی از طبع خارج شد.
- ۱۳۲۱ روز سوم اسفند روزنامه نوبهار را بار دیگر در تهران منتشر کرد که پس از انتشار ۱۰۲ شماره تعطیل شد.
- ۱۳۲۱ مقاله معروف «از آن طرف راه نیست» را در چند شماره نوبهار یومیه به چاپ رسانید.
- ۱۳۲۱ جلد اول و دوم سبک‌شناسی (یا تاریخ تطور نثر فارسی) را منتشر کرد.
- ۱۳۲۲ انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی در تهران تشکیل شد.
- بهار از ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ در این بین مدتی ریاست کمیسیون ادبی این انجمن را برعهده داشت.
- ۱۳۲۲ رساله‌ای زیر عنوان «در آرزوی مساوات» نوشت که در چند شماره نوبهار به طبع رسید.
- ۱۳۲۳ جلد اول احزاب سیاسی (یا انقراض قاجاریه را که در سال ۲۲-۱۳۲۱ تألیف کرده بود، چاپ و منتشر کرد (جلد دوم این کتاب زیر چاپ است).
- ۱۳۲۴ هنگام زمامداری احمد قوام (قوام‌السلطنه) عمده‌دار وزارت فرهنگ شد.
- ۱۳۲۴ با هیئتی برای شرکت در برگزاری جشن ۲۵ سالگی حکومت آذربایجان شوروی رهسپار باکو شد.
- ۱۳۲۴ قصیده معروف «هدیه باکو» را سرود، که ره‌آورد سفر اوست به آذربایجان شوروی.

- ۱۳۲۴ سفر کوتاهی از تهران به مشهد رفت.
- ۱۳۲۴ بخشی از کتاب جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات عوفی به تصحیح وی، از طرف وزارت فرهنگ انتشار یافت.
- ۱۳۲۴ شرح زندگی لنین را نوشت، که در مجله پیام نو، سال دوم، شماره ۳ مورخ بهمن‌ماه ۱۳۲۴ به طبع رسیده است.
- ۱۳۲۴ ریاست نخستین کنگره نویسندگان ایران را که از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد شوروی تشکیل شده بود، به‌عهده گرفت.
- ۱۳۲۵ با احمد قوام (قوام‌السلطنه) همکاری کرد و حزب دمکرات ایران را تأسیس نمود.
- ۱۳۲۵ از پست وزارت فرهنگ کابینه احمد قوام کناره گرفت.
- ۱۳۲۶ جلد سوم سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی را به چاپ رسانید.
- ۱۳۲۶ در دوره پانزدهم قانونگزاری مجلس، به نمایندگی مردم تهران انتخاب شه.
- ۱۳۲۶ برای معالجه سل، از تهران رهسپار سویس شد.
- ۱۳۲۷ هنگامی که در سویس مشغول معالجه بود مکاتباتی با ادیب‌السلطنه سمیعی دارد که معروف است.
- ۱۳۲۸ (اردیبهشت‌ماه) از سفر استعلاجی خود از سویس به ایران بازگشت.
- ۱۳۲۹ «جمعیت ایرانی هوادار صلح» را در تهران تشکیل داد.
- ۱۳۲۹ دولت پاکستان رسماً از وی دعوت کرد تا سفری به پاکستان کند. به علت بیماری نتوانست به این سفر برود.
- ۱۳۲۹ (۱ اردیبهشت) سفارت کبرای پاکستان، مجلس‌یادبودی برای محمد اقبال لاهوری تشکیل داد و بهار عهده‌دار ریاست آن مجلس بود و سخنرانی گرمی درباره اقبال ایراد کرد.
- ۱۳۲۹ قراردادی بست تا سبک‌شناسی شعر فارسی را نیز بنویسد و وزارت فرهنگ اقدام به چاپ آن کند. بخشی از آن کتاب را نوشت ولی متأسفانه بیماری نگذاشت که به ادامه کار پردازد و نیز مرگت مجال نداد که کار شروع‌کرده را به پایان برد.
- آن بخش نوشته‌شده که خود به وزارت فرهنگ تحویل داده بود در سال ۱۳۴۲ شمسی به گوشش آقای علیقلی محمودی بختیاری به نام سبک‌شناسی یا تطور شعر فارسی، بخش یکم، دفتر چهارم، در ۱۱۲ صفحه، از طرف مؤسسه مطبوعاتی علمی منتشر شد.
- ۱۳۲۹ در تابستان، آخرین اثر خود، قصیده معروف «جغد جنگ» را سرود و برای همیشه دفتر اشعار خود را در هم پیچید. این قصیده اولین‌بار در روز یکشنبه ۱۳ اسفند ماه (۲۵ ج ۱، ۱۳۷۰ ه. ق و سوم مارس ۱۹۵۲ م) در روزنامه مصلحت به‌چاپ رسید.

- ۱۳۳۰ (اول اردیبهشت) مطابق ۱۵ ماه رجب ۱۳۷۰ ه. ق ۲۱ آوریل ۱۹۵۱ م، ساعت ۸ صبح در خانه مسکونی خود، واقع در خیابان ملک الشعراء بهار، خیابان طالقانی (تخت جمشید) بدرود زندگی گفت.
- ۱۳۳۰ (دوم اردیبهشت) مطابق ۱۵ ماه رجب ۱۳۷۰ ه. ق، ۲۲ آوریل ۱۹۵۱ م، بعد از ظهر جنازه او را از مسجد سپهسالار تا چهارراه مغیرالدوله بر سر دست آوردند و ساعت چهار بعد از ظهر همان روز، جسد او را در شمیران، در باغ آرامگاه ظهیرالدوله، به خاک سپردند.



علاوه بر آثار یاد شده در سالشمار چاپ چند مجلد دیگر در دست اقدام است:

- ۱- چند تاریخچه
- ۲- خطابه‌های دوره نمایندگی
- ۳- جلد سوم بهار و ادب فارسی (مطالبی که در جلد اول و دوم بهار و ادب فارسی نیامده است)
- ۴- مقالات اجتماعی.

مرد و گیتی

تن به اندوه و به غم خیره نرنجاند
ورنه آلام تن مرد بستناید
صبر ایوب نبی لختی برخواند
کاسمان بازی ازین گونه بسیداند
تا دم حادثه ار سگار فروماند
باد و آن شاخ قوی را بنجنانند

مرد باید که ز گشت فلک واختر
صبر باید که به آلام ظفریابی
مرد را شاید در محنت روزافزون
رنجه از بازی گردون نتوان بودن
بایداری کن در حادثه گیتی
این نبی که کند شاخه کوچک را

م. بهار

شعر چیست؟

شاعر آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت
ای بسا ناظم که نظمش نیست الا حرف مفت
باز در دلها نشیند هر کجا گوشی شنفت
وی بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

م. بهار

شعر دانی چیست مرواریدی از دریای عقل
صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر
شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب
ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت